

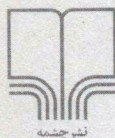
- جهان نو -

ریچارد براتیگان

نامه‌ای عاشقانه از تیمارستان ایالتی

مجموعه داستان

ترجمه‌ی مهدی نوید



نفر چشمه

فهرست

- ۹ برام یه قصه بگو
- ۱۳ دوست داری سوارِ یه جفت ماهی قرمز بشیم و تا آلاسکا شنا کنیم؟
- ۲۲ در جست و جوی تخمِ سنجاب
- ۲۵ جیمز دین در یوجین آریگن
- ۲۷ نامه‌ای عاشقانه از تیمارستان ایالتی
- ۳۷ گذرِ نرمِ نرمکِ دنیا را تماشا کردم
- ۵۰ می شه این قدر ننه من غریبم بازی در نیاری
- ۵۳ همیشه یکی خوشحاله
- ۶۴ سوزاننده‌ی گل
- ۶۹ خرچنگ‌ها ماهی دهان‌گرد می خورند
- ۷۳ سه نمایش نامه‌ی تجربی

برام یه قصه بگو

پرسیدم: «تو دارکوبی؟»

گفت: «نه. من یه دخترکوچولوآم. چی کار داشتی می کردی، آقا؟»

در بخش ادبیات کتابخانه‌ی عمومی ایستاده بودم و کتابی از واتسون تی. اسمیت برانلی^۱ می خواندم که در آن به روش منطقی در مورد این بحث می کرد که تمامی نویسندگان و شاعران باید دست از نوشتن بردارند و در عوض آن بنایی کنند. غرق فضای کتاب شده بودم که احساس کردم کسی به پام ضربه می زند. این اولین باری بود که در کتابخانه مطالعه می کردم و کسی به پاهام می زد. کنجکاو بودم. پایین را که نگاه کردم دختر بچه‌ی کوچکی را دیدم با موهای بلوند و پیراهن سبز و چشم‌های آبی که با انگشت اشاره اش به پاهام می زد.

پرسیدم: «مادرت کجاست، دخترکوچولو؟»

گفت: «رفته خرید.»

گفتم: «این جا چی کار می کنی؟ می شه لطفاً این قدر نرنی به پام؟»

1. Watson T. Smith Brownly